

الف - بیان مساله :

دادرسی کیفری از مراحل مختلفی تشکیل شده است. وقوع جرم نقطه ی آغاز این فرایند و اثبات جرم و بالتبع محکوم نمودن فرد، نقطه ی پایان آن است. قدرت عمومی جامعه که منتخب مردم آن جامعه است، این فرایند رسیدگی و دادرسی را به مقامات دستگاه عدالت کیفری خود که متشکل از ضابطان دادگستری یا پلیس، قضات دادسرا و قضات دادگاه هستند، سپرده اند و از آنان انتظار دارند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند.

وقتی جرمی ارتکاب می یابد، سه بعد اساسی مطرح می شود. ممکن است ارتکاب جرم از یک طرف، به منافع و مصالح افراد و اشخاص خصوصی لطمه وارد آورد. (بعد اول) از طرف دیگر منافع و مصالح عمومی و اجتماعی را خدشه دار نمایند. (بعد دوم) ضمن اینکه متهم و مرتکب جرم هم، در هر صورت دارای حقوق و امتیازات قانونی است، که رعایت آن ضروری است. لذا کشف جرم و حقیقت باید به نحوی انجام شود که هر سه بعد فوق الاشعار مورد حمایت قرار گیرد، یعنی کشف حقیقت باید هم موجب حمایت از مصالح و منافع افراد بزه دیده از جرم باشد، هم منافع و مصالح عمومی و اجتماعی آسیب دیده از جرم را جبران کند و هم به حقوق قانونی متهم احترام بگذارد.

به دیگر سخن، حمایت از حقوق بزه دیده، متهم و حمایت از منافع اجتماع، در مسیر دادرسی کیفری باید به نحوی کاملا متعادل و متوازن، ملحوظ گردد. توجه و تاکید به هر یک از ابعاد مارالذکر، به همراه نادیده گرفتن بعد دیگر، موجب عدم رعایت انصاف، عدالت و قانون مداری در جریان کشف حقیقت خواهد شد.

لیکن، با عنایت به پیچیده تر شدن جرایم و بالا رفتن هوش و درایت مرتکبان جرم، مخصوصا مجرمین سابقه دار و تکرارکنندگان بزه، مقامات قضایی و انتظامی در اجرای وظایف خود با سختی و مشکل روبه رو می شوند. چرا که ادله سنتی و متدوالی که آنان می توانند مورد استفاده قرار دهند، توانایی رویارویی با اینگونه جرایم و مجرمان را نخواهد داشت.

بر همین اساس ممکن است مقامات قضایی برای اثبات جرایم یا محکوم نمودن متهمان، مخصوصاً متهمان به جرایم خطرناک و تکرار کنندگان جرم، متوسل به طرق و شیوه‌هایی شوند، که نه تنها با مهم‌ترین وظیفه آنها یعنی پیش‌گیری از جرم در تعارض قرار می‌گیرد، بلکه موجب تنزل شان و منزلت آنها نزد مردم جامعه هم می‌گردد. لیکن مزیت توسل به اینگونه روشها، دست یازیدن مقامات قضایی به هدف کشف یا اثبات جرایمی است، که حتی خرد و کوچک‌ترین آنها هم، در هر صورت موجب برهم زدن نظم عمومی جامعه می‌گردد. یکی از این شیوه‌ها و طرق، توسل به عملیات دام‌گستری در مرحله‌ی وقوع جرم یا اثبات آن است. یعنی وقتی که مقامات قضایی برای شخصی که ظن به ارتکاب جرم توسط آن می‌رود، مبادرت به ترسیم طرح و نقشه‌ی جرم نموده و با تحریک و اغفال وی سبب وقوع جرم توسط او می‌گردند. یا وقتی که در مورد متهمی با فقد ادله علیه او مواجه هستند، برای به دست آوردن دلیل مبادرت به تحریک و اغفال وی می‌نمایند.

توسل به این عملیات اگر چه سبب می‌شود که مقامات قضایی در انجام وظایف خود نسبت به کشف و اثبات جرایم موفق باشند، لیکن عمل آنها را با این چالش که توسل به چنین طرقی مشروع هست یا خیر، روبه‌رو می‌سازد. به دیگر سخن استفاده از طرق دام‌گستری در فرایند دادرسی کیفری موجب ایجاد تعارضی میان حمایت از منافع اجتماع از یک طرف و حمایت از حقوق متهمان از طرف دیگر می‌گردد. آیا برای حفظ نظم و منافع اجتماع، می‌توان به مامورین اجرای قانون اجازه داد تا برای کشف یا ایجاد جرم برای اشخاصی که ظن به ارتکاب جرم توسط آنان می‌رود، دست به اقداماتی بزنند که منافی اراده‌ی آزاد افراد و حقوق حقه و قانونی آنها باشد؟ آیا دلایلی که از توسل به دام‌گستری مقامات قضایی یا حتی اشخاص عادی به دست می‌آید، واجد ارزش اثباتی جهت محکوم نمودن متهم هستند؟ اینجاست که دفاع دام‌گستری مطرح می‌شود و سعی در جهت رفع و حل چالش‌های فراروی این مسئله می‌نماید. هر چند که در نظامهای کیفری رویکردی واحد و تثبیت شده‌ای نسبت به این دفاع وجود ندارد، به نحوی که در برخی از کشورها وسعت اختیارات مقامات قضایی تا حدی است که دفاع دام‌گستری از جانب متهم را نه در مرحله‌ی ایجاد جرم و نه

در مرحله تحصیل ادله نمی پذیرند و در برخی از کشورهای دیگر دیدگاهی کاملاً متفاوت به دیدگاه اول داشته، دام گستری به عنوان یک دفاع به نفع متهم مورد پذیرش قرار گرفته است.

در این تحقیق در صدد آن هستیم که ضمن تبیین و بررسی دفاع دام گستری در نظام های کیفری که آن را مورد پذیرش قرار داده اند، انواع رویکرد های حاکم بر این دفاع را بصورت مستقل تحلیل نموده تا به جایگاه هر کدام از این رویکردها در حقوق داخلی بپردازیم. با توجه به سکوت قانون و رویه ی قضایی نسبت به این موضوع، امید است که این تحقیق بتواند در وضع یا اصلاح قوانین موجود در مورد موضوع مبحث عنه، راهگشا باشد.

ب- سابقه ی تحقیق :

در خصوص عنوان و موضوع پیشنهادی پایان نامه ی پیش رو، بایستی اذعان نمود که صرفاً مقالات بسیار محدودی (شاید دو یا سه مقاله) حول موضوعات مورد بررسی در این نوشتار موجود می باشد. در برخی کتب و رساله های دکتری و نیز پایان نامه های دوره ی کارشناسی ارشد هم به صورت کاملاً جسته و گریخته و در حد چندین خط یا پاراگراف به موضوعات بررسی شده در این تحقیق پرداخته و فقط در لابه لای مطالب خود، اشاره ایی به جواز یا منع مقامات قضایی در توسل به عملیات دام گستری نموده اند. لیکن هیچ کدام از آنها به جامعیت موضوع مورد بررسی این تحقیق، به تحلیل و تشریح آن نپرداخته اند.^۱

به عبارت دیگر در خصوص سابقه ی تحقیق مزبور، نوشتگانی که متضمن بررسی و تحلیل دفاع دام گستری در هر کدام از دو منظر خود به صورت کامل و مفصل باشد، موجود نبوده و صرفاً به بیان مسئله ی جواز یا عدم جواز عملیات دام گستری و تطابق آن به مبحثی در حقوق کیفری داخلی پرداخته اند. از این جهت موضوع این تحقیق در حقوق کیفری ما کاملاً نو و جدید می باشد.

^۱ مهم ترین این منابع عبارتند از: تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، (نشر میزان، تهران، ۱۳۸۸) - مقیمی، مهدی، "دام گستری در کشف جرم"، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم (۱۳۸۶) - یزدیان، جعفر، "دام گستری، مفهوم و مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران"، مجله فقه و حقوق، سال ۸۴.

ج - اهمیت و ضرورت تحقیق :

متهمان در فرایند دادرسی کیفری از حقوقی برخوردارند که به مجموعه ی آن حقوق دفاعی متهمان گفته می شود. مقامات قضایی اعم از پلیس، مقامات دادرسی و دادگاه در اجرای وظایف خود مکلف به مراعات این حقوق هستند. به دیگر سخن وسعت اختیارات مقامات قضایی در اجرای وظایف خود، به وسیله ی عواملی چون لزوم رعایت حقوق دفاعی متهمین، منع توسل به خدعه و تحریک به جرم یا ارائه ی دلیل و .. محدود گردیده است. این تحدید لازم و ضروری است، چراکه مقامات قضایی به عنوان نمایندگان مردم و اجتماع در اجرای قانون برخوردار از شان و منزلتی هستند، که توسل به طرق مارالذکر توسط آنها، موجب تنزل این مقام نزد مردم خواهد شد.

در همین راستا دفاع دام گستری در حقوق کیفری به عنوان عاملی به نفع متهم مطرح می شود و مانع توسل مقامات قضایی به تحریک و خدعه در مسیر کشف و اثبات جرم می گردد. از آن جا که این دفاع هنوز در برخی از نظامهای کیفری من جمله حقوق کیفری ایران، جایگاهی پیدا نکرده است، لذا اهمیت و ضرورت این مسئله اقتضا می کند، که به بررسی، تشریح و تحلیل این دفاع در نظامهایی که به آن توجه شایسته مبذول داشته اند، پرداخته شود، تا از این طریق تجربه و آزمون و خطاهایی که این نظامها در این مسیر به دست آورده اند، مورد استفاده ی قانونگذاران داخلی قرار گیرد. نگارنده امیدوار است، تحقیق پیش رو رسالت خود را در این زمینه انجام داده باشد.

د - اهداف تحقیق :

۱. تبیین مفهوم، مبنا و فلسفه ی دفاع دام گستری در حقوق کیفری به عنوان عاملی به نفع متهم که منجر به رفع مسئولیت یا بطلان دلیل تحصیل شده از این طریق می گردد.
۲. تبیین و بررسی حقوق موضوعه ی کشورهایی که این دفاع را مورد پذیرش قرار داده اند، تا از این طریق انواع رویکردهای حاکم بر این مسئله به دست آید.
۳. تشریح و تحلیل هر کدام از ابعاد این دفاع با توجه به تضمینات موجود در نظام های کیفری مختلف، تا از این طریق ارکان و آثار هر کدام از ابعاد این دفاع به طور مستقل مشخص گردد.
۴. ارائه ی پیشنهادات و راهکارهایی در مورد موضوع مبحث عنه در حقوق داخلی، تا از این طریق خلا و نواقص موجود در قوانین، رویه ی قضایی و دکترین ما بر طرف گردد.

ه - پرسش های تحقیق :

- سؤال اصلی (۱) : بین دفاع دام گستری در مرحله ی وقوع جرم و ارکان تحقق آن و رفع مسئولیت متهم چه رابطه ای وجود دارد؟
- سؤال اصلی (۲) : ارزش اثباتی دلایلی که از طرق مختلف عملیات دام گستری در تحصیل دلیل به دست می آیند، تا چه میزان است؟
- سؤال فرعی : وضعیت دام گستری مقامات قضایی در جرایم مهم و سازمان یافته نظیر جرایم علیه امنیت و مواد مخدر، چگونه است ؟

و - فرضیه های تحقیق :

فرضیه ی اصلی شماره (۱) : بین ارکان دفاع دام گستری در مرحله ی وقوع جرم شامل : لزوم مامور بودن مرتکب، ایجاد جرم از ناحیه ی او وعدم تمایل متهم به ارتکاب جرم، و رفع مسئولیت کیفری از متهم، رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

فرضیه ی اصلی شماره (۲) : دلایلی که ناشی از تحریک متهم به جرم یا ارائه ی دلیل به دست می آید، فاقد اعتبار قانونی است.

فرضیه ی فرعی : در جرایم مهم وسازمان یافته به علت حمایت از منافع اجتماع و با شرط عدم تحریک متهم به ارتکاب جرم، می توان اجازه ی دام گستردن برای ارائه ی دلیل و کشف جرم را به مقامات قضایی داد.

ز - روش و ابزار تحقیق :

در مسیر انجام تحقیق پیش رو، با مراجعه به کتابها، مقالات و سایتهای خارجی و کتب و مقالات و پایان نامه های داخلی که مرتبط با موضوع مباحث عنه بوده اند و نیز با در نظر داشتن مبانی مطرح شدن دفاع دام گستری به عنوان عاملی به نفع متهم و همچنین لزوم بررسی ابعاد و انواع رویکردهای حاکم بر این دفاع در حقوق موضوعه ی کشور های مختلف و در اسناد بین المللی که می بایستی در وضع این دفاع در حقوق داخلی مورد توجه سیاست گذاران و قانونگذاران حقوق کیفری باشد، به تحقیق مزبور پرداخته و شیوه ی تحلیلی - توصیفی داده های حاصل از این بررسی تطبیقی را ملاک عمل خود در انجام تحقیق پیش رو قرار داده ام.

ح - سازمان دهی تحقیق :

نوشتار پیش رو ابتدائاً با بیان مقدمه ای کلی - که در ذیل آن، اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف و همچنین، سئوالات و فرضیه های مرتبط با تحقیق و سابقه ی آن و نیز، روش تحقیق و سازمان دهی آن ارائه گردیده است - از حیث شکلی در سه فصل تهیه گردیده است. فصل اول تحت عنوان «کلیات» در طی دو گفتار

ارائه گردیده است. گفتار اول تحت عنوان «مفهوم شناسی دام گستری از تاریخچه تا مبانی» از سه بند تشکیل یافته و به بررسی مفاهیم مرتبط با این نوشتار، تاریخچه ی توسل به عملیات دام گستری و مبانی مطرح شده در مورد این دفاع، پرداخته می شود. گفتار دوم تحت عنوان «جایگاه و انواع دفاع دام گستری» از دو بند تشکیل یافته و در هر کدام از دو بند به تحلیل جایگاه دفاع دام گستری در اسناد بین المللی و حقوق موضوعه و سپس انواع رویکردهای حاکم بر این دفاع پرداخته شده است.

فصل دوم تحت عنوان «دفاع دام گستری از منظر مسئولیت متهم» در طی چهار گفتار ارائه گردیده است. گفتار اول با عنوان «قلمرو دفاع دام گستری در مرحله ی تعیین مسئولیت» از سه بند تشکیل یافته و قلمرو این دفاع را از حیث نوع اتهام، نوع رفتار مأمورین اجرای قانون، و نوع تعقیب بررسی می نماید. گفتار دوم با عنوان «معیار تشخیص، ارکان و آثار دفاع دام گستری از منظر مسئولیت متهم» از سه بند تشکیل یافته که در هر کدام بصورت مجزا، معیار های تشخیص این منظر از دفاع، ارکان و النهایه آثار آن مورد تبیین واقع می شود. گفتار سوم تحت عنوان «سایر دفاعیات مشابه با دفاع دام گستری از منظر مسئولیت متهم در حقوق امریکا» متشکل از سه بند است که در آن به دفاع پرونده سازی، دفاع رفتار قانون شکنانه دولت و النهایه وجوه اشتراک و افتراق این دو با دفاع دام گستری پرداخته می شود. و بالاخره گفتار چهارم هم به بررسی جایگاه این بحث در حقوق کیفری ایران اختصاص میابد.

فصل سوم نیز با عنوان «دفاع دام گستری از منظر ارزش اثباتی دلایل تحصیل شده از این طریق» همانند فصل پیشین در چهار گفتار ارائه گردیده است. در گفتار اول و در طی دو بند به ارتباط اصل مشروعیت تحصیل دلیل با این منظر از دفاع دام گستری پرداخته می شود. در گفتار دوم و در طی سه بند جایگاه اصل مشروعیت تحصیل دلیل نسبت به شرکت کنندگان در دعوای کیفری مورد تبیین واقع می شود. در گفتار سوم و در طی دو بند به بررسی ارکان و آثار این منظر از دفاع دام گستری پرداخته می شود و بالاخره در گفتار پایانی این فصل، جایگاه این منظر از دفاع دام گستری در حقوق کیفری ایران تبیین می گردد. در مجموع پلان و طرح کلی این تحقیق، در قالب دسته بندی مطالب به صورت (فصل، گفتار، بند، الف وب و...) ارائه گردیده است.

فصل اول: کلیات (تبیین مفاهیم، تاریخچه، مبانی، جایگاه و انواع دفاع دام گستری)

در این فصل که مشتمل بر دو گفتار می‌باشد، ابتدائاً سعی شده است، تا حد امکان به تبیین و تشریح مفاهیم مهم و اصلی مرتبط با موضوع این پژوهش و سپس تاریخچه ی آن پرداخته شود، و بعد از این بند، مبانی که موجب مطرح شدن دام گستری به عنوان یک دفاع به نفع متهم گردیده، مورد اشارت قرار می‌گیرد. (گفتار اول) در گفتار بعدی هم ضمن تبیین نظام های مختلف کیفری و اسناد بین المللی، مشخص می‌شود که امکان توسل به عملیات دام گستری توسط مقامات قضایی در این نظام ها به چه نحو است. با دقت در حقوق موضوعه ی کشورهای مختلف و اسناد بین المللی، یک تقسیم‌بندی در مورد عملیات دام گستری ارائه می‌گردد که براساس آن، چارچوب اصلی پژوهش فراروی در فصل های آتی ترسیم می‌گردد. (گفتار دوم)

گفتار اول: مفهوم شناسی دام گستری از تاریخچه تا مبانی

در ابتدای ورود به این پژوهش، بایستی ابتدائاً کلیاتی که نقش مهمی در ترسیم طرح موضوع این پژوهش در ذهن مخاطب ایفاء می‌نماید، مورد اشارت قرار گیرد تا چالش‌های موجود در ذهن نگارنده نسبت به این موضوع، به ذهن مخاطب هم منتقل گردد. بیان کلیاتی مشتمل بر تعریف مفاهیم مرتبط با این نوشتار، ذکر تاریخچه این موضوع و النهایه تبیین مبانی فکری و الهام‌بخش در مورد دفاع دام گستری، که در هیچ تحقیقی تا کنون در حقوق داخلی ما به آن پرداخته نشده است، مجرای فکری موضوع مباحث عنه و چالش‌های موجود در آن را مشخص خواهد کرد.

بند اول: تبیین مفاهیم

در این گفتار ذیلاً به تعریف، تبیین و تشریح مفاهیم مرتبط با موضوع دفاع دام گستری در حقوق کیفری، پرداخته می‌شود تا از طریق روشن نمودن این مفاهیم، فهم و درک دقیق و صحیح سایر مطالب آتی الذکر تسهیل و میسر گردد.

الف: عملیات دام گستری

دام گستری به معنای گستردن دام و تله برای شکار چیزی است.^۱ براساس آنچه که در معنی لغوی این اصطلاح نهفته است، عملی است که همواره متضمن نوعی فریب و خدعه و مکر است. به دیگر سخن این عملیات متضمن ایجاد دام و تله و پهن کردن آن برای آنچه که مدنظر شخص است، می‌باشد. مثل آنکه یک ماهیگیر مبادرت به پهن کردن دام در آب، برای شکار ماهی نماید، یا اینکه صیادی برای گرفتار کردن صید خود، مبادرت به ایجاد تله بر سر راه آن صید مورد نظر نماید.

^۱ چون این لغت ترجمه اصطلاحی لاتین و ترکیبی است، لذا به علت نو و جدید بودن اصطلاح، معنی ای در فرهنگ لغت برای آن یافت نشد.

آنچه که موضوع این پژوهش است، پهن کردن دام و تله توسط مقامات قضایی برای ارتکاب جرم یا تحصیل دلیل علیه اشخاصی است که مورد نظر آنان هستند. اگر ما مقامات قضایی را ماهیگیر یا صیاد تصور کنیم که برای به دام انداختن صید خود مبادرت به پهن کردن دام و تله بر سر راه صید خود می‌نمایند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اینان مجاز به توسل به چنین عملیاتی هستند یا خیر؟

در حقوق آمریکا، دکترین کیفری، دقیقاً با قیاس بین مامورین اجرای قانون و ماهیگیران، این سؤال را مطرح می‌کنند که «آیا پلیس می‌تواند دام‌های خود را در آب‌های مجاز پهن کند؟»^۱

این سوال معروف را قاضی فرانکفورتر در پرونده ی سورلز که طبق مباحث آتی الذکر، منشأ پیدایش دفاع دام گستری در حقوق آمریکاست، مطرح می‌نماید. «پاسخی که دکترین به این سوال می‌دهند «نه» است».^۲ بدین معنا که پلیس مجاز نیست برای به دام انداختن و محکوم نمودن افراد بی‌گناه جامعه، بر سر راه آن‌ها در مسیر ارتکاب جرم، تله و دامی پهن کند که آنان را به سمت ارتکاب جرم سوق دهد.

فرض کنیم مأمور پلیسی خود را به شکل شخصی کاملاً مست و بی‌اختیار جلوه می‌دهد و به همراه مقداری پول که کنار خودش گذاشته، در مسیر پیاده رویی می‌نشیند، تا از این طریق هر کس که از این پیاده‌رو گذشت و پول را برداشت، دستگیر و محکوم به سرقت نماید. در همین حال هم شخصی عابر، با مشاهده وضعیت شخص مست و پول‌های کنارش، تحریک شده و اقدام به برداشتن این وجوه می‌نماید.^۳ آیا چنین شخصی را می‌توان به سرقت محکوم کرد؟ اگر مأمور چنین دامی پهن نمی‌کرد، آیا اصلاً جرمی از ناحیه این مرتکب به وقوع می‌پیوست؟ دلیلی که از این طریق علیه شخص تحصیل شده، آیا مشروعیت و ارزش اثباتی دارد؟

1. "Determining whether police have cast their nets in permissible waters".

2. Thomas J. Gardner and Terry M. Anderson, "Criminal Law", printed in USA, Wadsworth, 7th edition, 2000, p. 159.

3. see: Washoe County Sheriff v. Hawkins, 43 CrL 2053 (1998), and Shrader v. State, 38 CrL 2069 (1958).

تعریف کلاسیک دام گستری توسط قاضی روبرتز این‌گونه بیان شده است: «دام گستری ترسیم و طرح جرم توسط مأمور و تدارک آن برای شخصی است که تنها به علت حيله، فریب و اغوای مأمورتمایل به ارتکاب آن پیدا کرده است». ^۱ از جمله تعاریف دیگر، «دام گستری عبارت است از تحریک از طریق اغفال یا اغفال بیش از حد شخصی به ارتکاب جرم از سوی مأمور اجرای قانون، جهت تعقیب کیفری همان شخص.» ^۲

نتیجتاً این که عملیات دام گستری، وضعیتی است که، چنان ذهن شخص موضوع آن را درگیر خود می‌کند که با اراده آزاد و اختیار و قدرت تصمیم‌گیری وی، در تعارض قرار می‌گیرد و این تعارض سبب می‌گردد که شخص مورد نظر به قول معروف "دم به تله پهن شده برایش بدهد".

ب : تحریک، فریب و نیرنگ

از آنجاکه در عملیات دام گستری و در مصادیق آن، اکثر افعال و اقدامات به‌کاررفته، در غالب موارد، حول محور عنوان تحریک، فریب و نیرنگ می‌باشد، لذا تبیین مفهوم این سه عنوان، از اهمیت فراوانی در درک مطالب آتی الذکر، برخوردار خواهد بود.

تحریک در لغت به‌معنای عمل یا فرایند به حرکت درآوردن و برانگیختن دیگران به واکنش آمده است. ^۳ تحریک در معنای عام خود شامل ترغیب، تهدید و یا تطمیع هم می‌شود. «به این معنی هر فعل دیگری نظیر پند و اندرز، توصیه و تجویز که مباشر را به ارتکاب جرم مصمم کند، به نوعی تحریک محسوب می‌شود» ^۴ فریب و نیرنگ مترادف و «به معنی مکر و حيله و خدعه است و چنانچه مکر و حيله به صورت پنهانی صورت گیرد، آن را دسیسه می‌گویند.» ^۵

^۱ . یزدیان ، جعفر ، پیشین ، ص ۱۱۸ .

2. Black ,brayan a.garner ,**blacks law dictionary**, 8 ed ,usa ,west publishing company,2005,p. 573.

^۳ صدقی افشار ، غلامحسین ، فرهنگ معاصر فارسی امروز، چاپ دوم ، (نشر فرهنگ معاصر ، تهران، ۱۳۸۱) ، ص ۳۴۹ .

^۴ . اردبیلی ، محمدعلی ، حقوق جزای عمومی ، چاپ یازدهم ، (نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵) ، جلد دوم ، ص ۴۲ .

^۵ . صناعی ، پرویز ، حقوق جزای عمومی ، چاپ اول ، (نشر طرح نو، تهران، ۱۳۸۲) ، ص ۵۷۵ .

تحریک و فریب و نیرنگی که غالباً در عملیات دام گستری بکار می‌رود، باید واجد شرایطی باشد. اولاً که این تحریک و دسیسه و یا پهن کردن دام، باید به نحو مؤثری صورت گرفته و موجب ارتکاب جرم گردد. بدین ترتیب، صرف نظارت در ارتکاب جرم یا سایر اقدامات تحریک‌آمیز که تأثیر در ارتکاب جرم و یا تحصیل دلیل علیه متهم ندارند، تحت عنوان عملیات دام گستری، قرار نمی‌گیرند. ثانیاً اینکه تحریک، فریب و دسیسه به کار گرفته شده توسط پلیس در مرحله وقوع جرم و یا تحصیل دلیل، به اندازه‌ای باشد که اراده و قدرت تصمیم‌گیری فرد را مخدوش نماید. به دیگر سخن این تحریک و فریب و دسیسه به نحوی کافی و معقول باشد که علاوه بر تأثیر بر متهم، «بر هر انسان متعارف دیگر در این شرایط تأثیر بگذارد»^۱. بر اساس این تحریک باید «وضعیتی در فرد پدید آید که قدرت کنترل اعمال و رفتار را به صورت مطلق یا نسبی از دست دهد و اعمالی را انجام دهد که اگر در شرایط عادی قرار داشت، هرگز مرتکب نمی‌شد»^۲.

ج : مامورین اجرای قانون

مامورین اجرای قانون افرادی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی، در کشف جرم، بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهمین، به موجب قانون اقدام می‌نمایند.^۳ لذا حوزه فعالیت آن‌ها نه تنها بعد از وقوع جرم، به مرحله قبل از وقوع جرم هم منعطف می‌شود، چرا که یکی از وظایف مهم اینان، پیشگیری از وقوع جرم است. اینان بر اساس مندرجات فوق، از لحاظ سلسله مراتب، تحت نظارت مقامات قضایی اعم از دادستان، بازپرس و دادرس هستند. لذا حدود اختیارات و صلاحیت آن‌ها همان است که در مورد مقامات مارالذکر، وجود دارد.

1. Martin A.Elizabeth,oxford Pictionary of law,publication didr, 1997,p. 367.

^۲. رحیمی نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، چاپ اول، (نشر میزان، تهران، ۱۳۸۷)، ص ۲۵۴.

^۳. ماده ی ۱۵ قانون ابیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸

در کشور ما و در قانون آیین دادرسی کیفری، مامورین اجرای قانون تحت عنوان ضابطین دادگستری تعریف شده‌اند و شامل نیروی انتظامی، بسیج و .. می‌باشند.^۱

اگرچه حوزه فعالیت مامورین اجرای قانون به مرحله قبل از وقوع جرم هم، مربوط می‌شود، اما مقامات قضایی معمولاً بعد از وقوع و ارتکاب جرم وارد صحنه شده و اقدامات لازم را انجام می‌دهند. در این پژوهش، هر جا سخن از مامورین اجرای قانون شده است، منظور پلیس و نیروی انتظامی است. در حالی که از لحاظ موضوع اصلی این پژوهش، یعنی دفاع دام گستری در حقوق کیفری، تفاوت چندانی در توسل مامورین اجرای قانون به عملیات دام گستری با توسل سایر مقامات قضایی به این عمل وجود ندارد.

د : مسئولیت کیفری

مسئولیت در لغت به معنای تکلیف به انجام دادن امری است. مسئول کسی است که نسبت به شخص دیگری تعهد به انجام یا عدم انجام کاری را دارد، که اگر خلاف آن را انجام دهد، مورد بازخواست واقع می‌شود. نتیجتاً این که، مسئولیت همواره متضمن نوعی التزام است. در قلمرو حقوق کیفری «محتوای این التزام تقبل آثار و عواقب افعال مجرمانه است، یعنی تحمل مجازاتی که سزای افعال سرزنش‌آمیز بزهکار به شمار می‌آید».^۲

آنچه که موجب تحقق مسئولیت کیفری می‌گردد، اثبات نوعی تقصیر است. تقصیر هم به معنای «خودداری از انجام عملی با وجود توانایی بر انجام آن آمده است و نقطه ی مقابل آن قصور است که بر ترک عملی به سبب عجز از انجام آن اطلاق می‌گردد».^۳

^۱ رجوع کنید به فصل اول از باب اول قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ از مواد ۱۵ الی ۲۵.

^۲ اردبیلی، محمدعلی، پیشین، جلد دوم، ص ۷۴ .

^۳ . میر سعیدی، سید منصور، مسئولیت کیفری-قلمرو و ارکان، چاپ اول، (نشر میزان، تهران، ۱۳۸۳)، جلد اول، ص ۶۵ .

مسئولیت از نظر منطقی علاوه بر وجود نوعی التزام با سه عامل «وظیفه، اطلاع از وظیفه و توانایی در انجام وظیفه»^۱ به نحو عمیقی گره خورده است، طوری که این سه عامل به همراه اثبات تقصیر، موجب انتساب مسئولیت به شخص مقصر می‌گردند. بر همین اساس بروز عواملی می‌تواند مانع از قابلیت این انتساب به شخص مقصر گردد.

برخی از این عوامل، در خود شخص متهم نهفته هستند، از این‌رو به آن‌ها، عوامل شخصی رفع مسئولیت هم گفته می‌شود. مثلاً مرتکب جرم وقتی مسئول است که از قدرت ادراک و اختیار برخوردار بوده و علاوه بر فهم امرونی قانونگذار، توانایی اجابت آن را هم داشته باشد. لذا عواملی مثل جنون، کودکی، اجبار، مستی، بیهوشی و اشتباه، موجب زایل شدن مسئولیت متهم به ارتکاب جرم می‌شود. اما گاهی تحریک به جرم توسط مجنی علیه هم می‌تواند در زوال مسئولیت مؤثر باشد. مخصوصاً وقتی که این مجنی علیه محرک، مأمور اجرای قانون باشد. در این قبیل بزه دیدگان «در حقیقت خودمجنی علیه بیش از بزه‌کار و یا به تنهایی مقصرند. لذا در نظر گرفتن میزان سهم خود بزه دیدگان و درجه تقصیر آنان در تکوین جرم، از عناصر ذاتی یک محاکمه عادلانه است، که بایستی در عرصه‌های مختلف سیاست جنایی مورد توجه قرار گیرد».^۲

توسل مقامات قضایی به عملیات دام گستری در یکی از ابعاد خود، طبق مباحث آتی الذکر، مسئولیت کیفری شخص مظنون به ارتکاب جرم را زایل می‌گرداند. به دیگر سخن عملیات دام گستری در مرحله وقوع جرم توسط مقامات قضایی سبب می‌گردد که قدرت ادراک و تصمیم‌گیری متهم تحت تأثیر قرار گرفته و قابلیت انتساب تقصیر جزایی به چنین متهمی، زایل گردد. البته طبق مباحث آتی الذکر علت اصلی زوال مسئولیت در فرض فوق الاشعار بیشتر از آنکه ضعف اختیار و قدرت تصمیم‌گیری چنین متهمی باشد، به سوء استفاده مقامات قضایی و تنزل

^۱ . صانعی، پرویز، پیشین، ص ۴۷۵.

^۲ . رحیمی نژاد، اسماعیل، پیشین، ص ۲۵۴.

شان و منزلت آنان در چنین حالتی مربوط می‌شود. در این مورد، در فصل دوم این پژوهش بیشتر توضیح خواهیم داد.

ه: اصل مشروعیت تحصیل دلیل :

هنگامی که شخصی تحت عنوان شاکی، اعم از شاکی خصوصی یا مدعی‌العموم علیه فردی مشخص و یا بدون هویت اقدام به طرح شکایت کیفری می‌نماید، با توجه به اولین و مهم‌ترین اصل حاکم در حقوق کیفری یعنی «اصل برائت»، بار اثبات ادعای مجرمیت شخص مورد نظر بر عهده خودش است. این امر با ارائه دلیل علیه نام‌برده، امکان‌پذیر است. پس دلیل مرکز ثقل دعاوی کیفری است و نقش مهمی در فرایند دادرسی کیفری ایفا می‌نماید.

از دلیل در حقوق کیفری تعاریف متعددی ارائه شده است. برخی دلیل را «امری که وجدان دادرس را در اثبات ادعا قانع می‌سازد»^۱، می‌دانند. برخی دیگر دلیل در اموری کیفری را «شیوه‌ای می‌دانند که به کمک آن، یک عمل یا حق متنازع فیه و مورد شک را در فرایند دادرسی ای که بر ارزش واقعی و حقیقی آن صحه می‌گذارد، احیاء می‌گرداند. اداره دلیل، عملیات عقلانی و منطقی است که به دنبال آن برای یک عمل، فرض حقیقت می‌شود و می‌تواند مبنای یک محکومیت قرار گیرد»^۲.

برخی دیگر از نویسندگان از دلیل تعریفی کلی ارائه نموده‌اند: «دلیل راهنمای اندیشه است، خواه در این راهنمایی وصول به مجهول مورد نظر باشد یا صرفاً وصول به هدف مورد توجه باشد، هرچند که مجهول حل نشود»^۳. با دقت در تعاریفی که نویسندگان مختلف از دلیل در امور کیفری ارائه نموده‌اند،^۴ ملاحظه می‌کنید که هدف از ارائه دلیل در امور کیفری کشف حقیقت و ایجاد اقناع وجدان قاضی جهت محکوم نمودن شخص

^۱ . عظیمی، محمد، ادله اثبات در امور کیفری و مدنی، چاپ سوم، (انتشارات تدریس، تهران، ۱۳۸۷)، ص ۳.

2. Jean, pradel, manuel de procedure penale, 13eme, edition, paris, 2007, p.363.

^۳ . جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، چاپ چهارم، (چاپخانه سپهر، تهران، ۱۳۷۲)، جلد چهارم، ص ۳۱۲.

^۴ . رک به زراعت، عباس، ادله اثبات دعوی، چاپ اول (نشر قانون مدار، کاشان، ۱۳۸۸)، ص ۱۷۴ - صدرزاده ی افشار، سید محسن، ادله اثبات در حقوق ایران، (مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶)، ص ۱۵ - حسینی نژاد، حسینقلی، ادله اثبات دعوی، چاپ اول، (نشر میزان، تهران، ۱۳۷۴)، ص ۷ - گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوی، چاپ دوم، (نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴)، ص ۱۸.

متهم است. به دیگر سخن دلیل در امور کیفری اولاً باید عناصر تشکیل دهنده جرم را به اثبات برساند و ثانیاً موید انتساب جرم به متهم باشد.

در همین راستا و بدین علت که «در دعاوی کیفری معمولاً ادله اثبات قبل از ارتکاب جرم تهیه و تمهید نمی‌شود و متهمان در اغلب موارد و در صورت امکان در صدد امحای دلایلی برمی‌آیند که بتوانند بزهکاری آنان را به اثبات رساند»^۱، قاضی کیفری باید برای کشف حقیقت و به دست آوردن ادله نقشی مهم و فعال داشته باشد و این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه اختیارات وی در این مرحله وسیع باشد.

بر همین اساس در حقوق کیفری و در مرحله دادرسی اصلی تحت عنوان «آزادی دادرسی در تحصیل دلیل» مطرح می‌شود. مبنای اصل مزبور حمایت از منافع اجتماع است، چرا که مقامات قضایی، نمایندگان عموم و اجتماع هستند و اصل تحصیل آزادانه ی دلیل در راستای گسترش و وسعت اختیارات آنان وضع شده است، تا منافع اجتماع در جریان کشف جرمی که به این منافع لطمه و آسیب وارد نموده، تأمین گردد. چون عدم کشف برخی جرایم می‌تواند بنیان‌های جامعه را نابود سازد.

با دقت در مفهوم اصل فوق‌الاشعار و با امعان نظر به وسعت اختیارات دادرسی طبق این اصل، مشخص می‌شود که اصل تحصیل آزادانه دلیل دربردارنده دو بعد اساسی است. اول اینکه دادرسی در کسب دلایل له و علیه متهم، و بالتبع پذیرش دلایل از سوی اصحاب دعوی، اعم از شاکی و متشاکی آزاد است و دوم اینکه وی در ارزشیابی دلایل تحصیل شده به صورت عام از آزادی کامل برخوردار می‌باشد.

بعد دوم از اصل مارالذکر، همان «اقناع وجدانی دادرسی» یا طبق برداشت ارائه شده توسط فقه ما، همان «علم قاضی» است. یعنی مقام قضایی در ارزیابی ادله ارائه شده توسط خودش، طرفین دعوی و یا سایر مقامات قضایی آزاد است و تمامی این ادله جهت رسیدن وی به اقناع وجدان، طریقت دارند. به دیگر سخن

^۱ . آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، چاپ هشتم، (نشرسمت، تهران، ۱۳۸۶)، جلد دوم، ص ۲۳۴.

بعد دوم اصل تحصیل آزادانه ی دلیل « که به ارزش گذاری دلیل برای اثبات حقیقت تعلق دارد، یک امر ماهوی است و دادرس در این مرحله حق دارد، تا اختیار خود را در ارزشیابی دلیل اعمال نماید».^۱

اما اصل تحصیل آزادانه دلیل در هر دو بعد خود دارای محدودیت‌هایی است. به دیگر سخن نمی‌توان با تأکید و توجه صرف به این اصل، تنها به حمایت از حقوق اجتماع پرداخت و حقوق افراد و بالاحض متهمین نیز باید مد نظر قرار گیرند. در واقع از یک طرف با تعیین این اصل هم باید به منافع اجتماع توجه کرد و هم با تعیین ضوابط و محدودیت‌ها در مقام اجرای این اصل، از حقوق افراد حمایت نمود.

مهم‌ترین تحدید فراروی اصل تحصیل آزادانه دلیل، مشروعیت آن است. مشروعیت در اینجا هم در بردارنده دلیل مشروع و قانونی است و و هم در بردارنده مشروعیت شیوه تحصیل آن. به دیگر سخن دادرس اگر چه در مرحله کسب ادله آزاد است، اما اولاً باید دلایل نامشروع از منظر قانون و رویه قضایی را نپذیرد و ثانیاً جهت کسب و تحصیل دلایل قانونی از شیوه‌های نامشروع استفاده نکند. چرا که «ارائه دلیلی به ظاهر قانونی چنانچه به طرق نامشروع و غیرقانونی تحصیل شده باشد، سبب سلب ارزش اثباتی آن دلیل می‌شود».^۲

اینجاست که اصل مشروعیت تحصیل دلیل در هر دو بعد دلیل مشروع و طریقه تحصیل مشروع، مطرح می‌شود. در مورد جنبه اول در نظام‌های حقوقی مختلف، اولاً برخی ادله را به عنوان ادله نامشروع و غیرقانونی شناخته (مثل اوردالی و دوئل در گذشته و استفاده از هیپنوتیزم و سرور حقیقت در دوران معاصر) و ثانیاً اثبات برخی از جرایم را تنها با یک سری ادله خاص امکان‌پذیر دانسته‌اند. (مثل آنچه که در باب اثبات جرایم حدی در قانون مجازات اسلامی ما مطرح شده است)

اما مفهوم اصل مشروعیت تحصیل دلیل بیشتر ناظر است به جنبه دوم این اصل، یعنی لزوم تحصیل دلیل به طرق مشروع و قانونی. «این همان است که در حقوق آنگلو ساکسون با عنوان exclusionary rule از آن

^۱ . رضانی، احمد، " اختیار دادرس کیفری در ارزشیابی ادله در حقوق ایران و مصر"، رساله دکترای رشته فقه و حقوق جزا، دانشگاه شهید مطهری، ۱۳۸۹، ص

۱۲۴.

^۲ . آشوری، محمد، پیشین، جلد دوم، ص ۲۵۷.

بحث می‌شود و منظور این است که نمی‌توان یک واقعه اثبات شده یا مطلبی اظهار شده را که مغایر با حقوق اساسی متهم باشد، به دادگاه جهت اثبات دعوی ارائه کرد.^۱ «

اگرچه در دادرسی کیفری اقناع وجدان قاضی از اهمیت برخوردار است، اما لازمه این اقناع این است که مبتنی بر ادله صحیح و معتبر باشد. «نمی‌توان ادله غیرقانونی یا ادله‌ای که در صحت تحصیل و مشروعیت کسب آن، اعتماد و اطمینانی وجود ندارد را سنگ بنای ایمان و اعتقاد باطنی قاضی قرار داد و بر اساس آن شهروندان اجتماع را که در حمایت اصل برائت قرار دارند، محکوم نمود.»^۲

به دیگر سخن در فرایند دادرسی کیفری، هدف یعنی همان کشف حقیقت نمی‌تواند با توسل به هر طریقه و شیوه‌ای به دست بیاید. قاضی در کسب ادله و ارزیابی آن آزاد است، اما این آزادی تا وقتی معتبر شناخته می‌شود که لطمه و آسیبی به آزادی افراد و حقوق دفاعی آن‌ها وارد نیورد. امری که ماهیتاً در مفهوم آزادی نهفته است و قلمرو آن را مشخص می‌کند، عدم ایجاد ضرر و آسیب به آزادی دیگران است. بر همین اساس «منشأ اقناع وجدانی قاضی، علی‌الاصول باید مستخرج از محتویات پرونده و ادله ای قانونی و مشروع باشد که از سوی اصحاب دعوی ارائه شده و مورد بحث قرار گرفته‌اند، به بیان دیگر ادله به دست آمده به صورت غیرقانونی، قابلیت ارزشیابی توسط دادرس را ندارند و باید از محاکمات حذف شوند.»^۳

بر اساس جمیع مطالب فوق‌الاشعار اصل مشروعیت تحصیل دلیل را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: منع توسل به دلایل نامشروع و غیرقانونی در اثبات جرایم از یک طرف و رعایت سازوکارهای قانونی در شیوه‌ها و طرق تحصیل ادله مشروع از طرف دیگر. این تعریف بیانگر عدم توسل به فریب، مکر، حيله، تطمیع، تهدید و کلیه اقدامات منافی با اراده آزاد و اختیار افراد در کسب دلایل است.

مفهوم اصل مشروعیت تحصیل دلیل، مفهومی نسبی است و دربردارنده هیچ‌گونه اطلاقی نیست. علت این نسبیت، هم، به اساس پذیرش یا عدم پذیرش این اصل مربوط می‌شود و هم به نحوه ی پذیرش آن. این

^۱ همان، ص ۲۶۲.

^۲ . باقری نژاد، زینب، "اقناع وجدانی دادرس"، ماهنامه آموزشی دادگستری کل استان خوزستان، سال سوم، (آذر و دی ۸۷)، ص ۱۹.

^۳ . لارگیه، زان، ایین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل زاده، (نشر کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸)، ص ۷۲.

مفهوم در واقع «بسان شکلی است خمیری که از دیرباز در دست قضات پیکرتراش قرار گرفته، هر روز متحول می‌شود و بر ظرافت آن افزوده می‌گردد، اما هنوز طرح ثابتی به خود نگرفته است».^۱

توضیح اینکه با وجود پذیرش اصل مشروعیت تحصیل توسط اکثر قوانین، دکتین و رویه‌های قضایی کشورهای مختلف جهان، هنوز هم در بعضی نظام‌های حقوقی، رویکردی مخالف با اصل مباحثه عنه به چشم می‌خورد. منشأ دیدگاه مخالف با اصل مشروعیت تحصیل دلیل را باید حقوق کشور انگلستان دانست. چرا که رویه قضایی این کشور در موضوع مورد بحث صرفاً به معیار «توجه به دلیل مؤثر» تأکید می‌نمایند. یعنی دلیلی که صرف‌نظر از شیوه و راه تحصیل آن، واجد ارزش اثباتی در خصوص محکومیت است.^۲

علت بروز این دیدگاه در نظام حقوقی انگلیس این است که در این کشور هدف از کسب ادله، کشف حقیقت است، آن هم به هر قیمتی. بر این اساس علاوه بر اینکه تحصیل دلیل از طریق محیلانه و فریبکارانه مثل تجسس، استراق سمع و توسل به خدعه مجاز است، بلکه هر وسیله جدید هم که علم نوین روز آن را به وجود می‌آورد، می‌تواند برای نیل به حقیقت مورد استفاده قرار گیرد. «زیرا حقیقت در مقایسه با سایر اعتبارات از اولویت بیشتری برای مراعات کردن برخوردار است و هنگامی که دلیل مقبول شود، دیگری نیازی به شناخت کیفیت تحصیل آن نیست. شاید براساس همین مبنا و جهت‌گیری باشد که قانون‌گذار سودانی در خصوص رعایت ضابطه و معیار مشروعیت تحصیل دلیل دست به اقدام خطرناکی زده است و در قانون اثبات مصوب سال ۱۹۸۳ میلادی خود، اجازه پذیرش دلیل علی‌رغم غیرقانونی بودن تحصیل آن را داده است.»^۳

اما نسبت به اصل مشروعیت تحصیل دلیل تنها منحصر به مورد فوق نیست، بلکه از منظر نحوه پذیرش هم در نظام‌های حقوقی ای که آن را پذیرفته‌اند، اطلاقی وجود ندارد. توضیح اینکه رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل به عنوان یک اصل و قاعده در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است، اما در برخی نظام‌ها این اصل

^۱ پورزند مقدم، پژمان، «ژرف ساختن دلیل کیفری»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۴، (۱۳۸۰)، ص ۲۶.

^۲ . ر.ک به: رضانی، احمد، پیشین، پاورقی ص ۲۲۷.

^۳ همان، ص ۲۲۷.

دارای استثنائاتی می‌باشد. آنچه که این استثنا را توجیه می‌کند، ضرورت اثبات برخی جرایم مهم و سازمان یافته به هر شیوه و طریقی است. چرا که اثبات جرایمی نظیر تروریسم، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، پول شویی و... با شیوه‌هایی که مشروعیت آن‌ها زیر سؤال است، به مراتب ضرر کمتری نسبت به اینکه این گونه جرایم از طرق مشروع و قانونی به اثبات برسند به اجتماع و حتی افرادی که در آن زندگی می‌کنند وارد می‌کند.

این امر منشأ اصلی جدید در فرایند دادرسی کیفری گردیده، تحت عنوان «اصل تناسب شیوه تحصیل دلیل با اهمیت جرم ارتكابی»، بدین معنا که «مشروعیت یا قانونی محوری تحصیل دلیل هرچند به عقیده برخی حقوق دانان توجه به راه‌های مناسب کسب دلیل است، ولی این راه‌های مناسب کسب دلیل باید با خطر اجتماعی ناشی از جرم در تناسب باشد و همین امر نیز بیانگر نسبی بودن مشروعیت است».^۱

به عنوان مثال شاید تحریک متهم به ارائه ی دلیل در جرمی مثل سرقت، عملی نامشروع و موجب بطلان باشد، اما همین عمل در جرمی مثل تروریسم ممکن است مشروع تلقی گردد. توجیه این تفاوت، به نوع ضرر ناشی از این دو جرم مربوط می‌گردد. در مثال اول، اثبات جرم با روش غیرقانونی به مراتب ضرر بیشتری به منافع اجتماع و افراد به صورت توأمان، وارد می‌کند، اما در مثال دوم با مقایسه ضرر محتمل در فرض عدم اثبات جرم تروریسم و ضرر اثبات آن با طرق نامشروع، ملاحظه می‌کنیم که توسل مقامات قضایی به شیوه های مخالف اصل مشروعیت تحصیل دلیل، موجه و منطقی است.

به همین علت در حقوق برخی از کشورها که اصل مشروعیت تحصیل دلیل را به عنوان یک قاعده پذیرفته‌اند، در جرایم سازمان یافته و مخصوصاً علیه امنیت کشور، اجازه تجاوز از حدود اصل مزبور را می‌دهد. فرانسه من جمله از این کشورهاست.^۲

اما آنچه که در اینجا لازم به ذکر است این است که این تجاوز نباید توجیهی برای توسل به طرق نامشروع در تحصیل دلیل در سایر جرایم باشد. ضمن آنکه در آن جرایم خاص هم باید حدود اختیارات مقامات قضایی

^۱ تدین، عباس، پیشین، ص ۷۰.

^۲ ماده ی ۷۳-۷۰۶ قانون ایین داری کیفری فرانسه، مربوط به دادرسی ویژه ی جرایم سازمان یافته.